

بررسی و تحلیل سبکی سروده‌های عایشه درانی

فاطمه پرویزی^۱

دانشجوی کارشناسی فقه و اصول، دانشکده بنت الهدی قم، قم، ایران

حسن شهریاری^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

چکیده

عایشه درانی از شاعران برجسته افغانستان است که در قرن یازدهم در عصر تیمور شاه و پسرانش می‌زیسته است. دوران کودکی و نوجوانی عایشه به کسب علو دانش و آموختن اصول اولیه در شعر و شاعری سپری شده است. طبق پژوهش‌های صورت گرفته دوران میانسالی عایشه صرف ازدواج و تربیت فرزندانش سپری گشته و اواخر عمر وی به تلخی گراییده است. نخستین سروده عایشه در وصف کابل سروده شد که مورد تشویق تیمور شاه قرار گرفت. سپس دیوان مکملی را در سال ۱۳۳۲ به اتمام رساند. در سال ۱۳۶۱ به دستور عبدالرحمن خان، چاپ‌خانه دولتی، دیوان عایشه را که حاوی ۳۰۰۰ قطعه شعر در بخش قصیده، غزلیات، مثنوی‌ها، مخمس و ترجیع بند، رباعیات و دوبیتی‌ها، تنظیم شده را به چاپ رساند. این بانوی شاعر با وجود توانایی بسیار در سرودن انواع قالب‌های شعر فارسی مورد بی‌مهری و کم‌توجهی قرار گرفته است. وی با آنکه ذهنیتی پاک و ستره فراقومی داشت، اما به دلیل مباحث قومی در عرصه شعر و ادبیات گمنام ماند و دیوانش مورد اقبال قرار نگرفت. سروده‌های او را از نظر محتوا به سه بخش تقسیم کرده‌اند: غزل‌های عاشقانه، مثنوی‌ها و قصیده‌های با حال و هوای عارفانه و دوره مرثیه‌سرایی‌ها. پژوهش حاضر که به روش

^۱ Email: fatimaparvizi^۹@gmail.com

^۲ Email: Hasan^{۹۶}shahryari^{۹۶}@gmail.com

توصیفی انجام شده، به معرفی و بررسی سروده‌های عایشه درانی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که در سرودن اشعار پیرو سبک عراقی ماند و بیش از همه تحت تأثیر حافظ شیرازی قرار داشت.

کلید واژه‌ها: عایشه درانی، غزل عاشقانه، مثنوی، حافظ

مقدمه

افغانستان از کودتای هفتم ثور (۱۳۵۷خ) تا به امروز با تحولات سیاسی و اجتماعی چون هجوم ارتش شوروی، استقرار حکومت‌های چهارگانه کمونیستی، جهاد مردم علیه بیگانگان و بیرون راندن آنان، شروع جنگ‌های داخلی، ظهور گروه‌های تندرو طالبان، شبکه حقانی و القاعده، خانه نشینی زنان و دختران و بستن درهای مدارس به روی آنان، مهاجرت و انفجار، روبه رو بوده که تأثیرات ناگواری را بر اذهان مردم افغانستان به ویژه زنان برجای گذاشته است. از تأثیرات ناگوار این بی ثباتی در افغانستان، به حاشیه راندن زنان از عرصه اجتماع و سیاست و نادیده گرفتن حقوق آنان و در نتیجه قربانی شدن زنان به شکل‌های مختلف بود.

یکی از موضوعات برجسته در اشعار امروز افغانستان، شخصیت زن و مسائل اجتماعی زنان است. در این مقاله، نوع نگاه اجتماعی به زنان، شخصیت زن، آداب و رسوم، رفتار حکومت‌ها و تحولات معاصر بر سرنوشت زنان و مانند آنها که در اشعار شاعران معاصر افغانستان به ویژه عایشه درانی منعکس شده، به روش توصیفی ارائه می‌شود. این تحولات سیاسی و اجتماعی در اشعار شاعران معاصر بازتابی گسترده دارد. شاعران، علاوه بر بازتاب رنج‌ها، آسیب‌ها، مظلومیت و ستمدیدی زنان، بر آزادی زنان و رعایت حقوق آنان تأکید دارند و خشونت و تحقیر علیه زنان و دیدگاه‌های تحجرامیز توده و زن ستیزی را نفی کرده‌اند. زنانی که در همسایگی و هم‌زبانی ما سال‌های سال میان سنت‌ها و باورها و فشارهای قومیتی و اجتماعی به دنبال صلح، آزادی و برابری بوده‌اند. با همه بسته‌گی محیطی و محدودیت‌های که بر دوش این زنان سنگینی می‌کند اگر گشت و گذاری در تاریخ ادبیات افغانستان بزنیم می‌بینیم که زنان نیز سعی داشته‌اند در گوشه‌ای از این تاریخ صدای رسای دیگر زنان افغانستان و وضعیت بغرنج زیستی آنان باشند.

اعتراض به وضعیت اجتماعی و فشارهای اجتماعی بر زنان، صلح‌طلبی و آزادی‌خواهی، اعلام انزجار از خشونت عربان و پنهان علیه زنان در افغانستان، نفی جنسیت‌زدگی از مهم‌ترین مضامین

شاعران زن افغانستان است، البته در کنار این مضامین اجتماعی و سیاسی زنانه‌گی و پرداختن به احساسات و عواطف شاعرانه و توصیفات و شرح عشق نیز از دیگر مضامین شعری زنان در افغانستان است.

عایشه درانی یکی از آن بانوان شاعری است که در سدهٔ یازدهم هجری قمری در خانواده‌ای منتسب به سلسلهٔ حاکم درانی سدوزایی دیده به جهان گشود. زندگانی او را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوران کودکی و جوانی که به کسب دانش و آموختن آموزش‌های اولیه در شعر و شاعری سپری شده است. دوران میان‌سالی و ازدواج و به دنیا آوردن فرزندان و دورهٔ سوم و پایانی زندگانی او که دورهٔ نوحه‌سرایی بی‌پایان او در مرگ فرزندش است.

پژوهش حاضر به معرفی و بررسی سروده‌های عایشه درانی پرداخته است. وی از همهٔ شاعران ایرانی، بیش از همه از حافظ تأثیر پذیرفته و غزل‌های فراوانی در وزن و قافیهٔ غزلیات حافظ یا با اندک تغییری در قوافی آن‌ها سروده است. قصاید او نیز در حمد خداوند و منقبت ائمهٔ معصومین (ع) و نقد اوضاع اجتماعی روزگار است.

بحث و بررسی

دوران کودکی و جوانی

این زمان، دوران آموزش شاعر است. «در افغانستان، چه پیش از پیدایی آموزش‌های مدرن و چه پس از آن، گونه‌ای از آموزش‌های سنتی در خانه‌ها، مسجدها و مدرسه‌ها وجود داشت که هنوز هم به‌گونه‌ای وجود دارد. در آموزش‌های سنتی پس از قرآن، فراگیری نوشتن و خواندن، آموزش چهار کتاب، پنج‌کتاب، بوستان و گلستان سعدی، دیوان خواجه حافظ شیرازی و حتی در بعضی از مدرسه‌ها خواندن مثنوی معنوی، بخش مهم برنامه آموزش‌های سنتی بود. چنین امکاناتی برای دختران نسبت به پسران اندک بود؛ برای آن‌که دختران باید در خانه‌ها چنین آموزش‌هایی فرا می‌گرفتند. یک رده اجتماعی زنان هم وجود داشت که چنان آموزگاران خانگی، دختران خانواده‌ها را آموزش می‌دادند. هر خانواده‌ای هم نمی‌توانست زمینه آموزش دختران‌شان را فراهم سازد.» (فرهنگ، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۹)

افزون بر این، سنت‌های دست و پاگیر اجتماعی نیز همیشه دیواری بوده است در برابر آموزش دختران، حتی در برابر همان آموزش سنتی. همان سخن معروف در ذهن تداعی می‌شود که در یک

جامعه طبقاتی، حتی دانش هم طبقاتی است؛ یعنی طبقه‌ها و رده‌های فرودست اجتماعی، از آموزش محروم‌اند یا هم محروم ساخته می‌شوند.

وقتی جایگاه اجتماعی بانو شاعران پارسی دری، از رابعه بلخی، مهستی گنجوی، عایشه درانی، مخفی بدخشی، محبوب هروی، آمنه فدوی تا شاعران سده سیزدهم هجری را در نظر گیریم، دیده می‌شود که یا شاه‌دخت بوده‌اند یا امیرزاده یا هم وابسته به رده‌ها بلند اجتماعی.

عایشه درانی نیز از خانواده‌ای بود که جایگاه بلند اجتماعی داشت. چنین بود که دوران کودکی و نوجوانی خود را با آموزش‌های مذهبی و ادبی سپری کرد و از همان دوران نوجوانی ذهنش به سوی شعر و شاعری کشیده شد و به سرایش شعر روی آورد.

دوران میان‌سالی یا دوران پخته‌گی عایشه درانی

در این دوره ازدواج می‌کند و کودکانی به دنیا می‌آورد. آن‌گونه که گفته‌اند، پنج دختر و یک پسر داشت. هنوز روشن نیست که شوهر وی چه نامی داشته و از چه خانواده‌ای بوده است. در شعرهایش هم به‌روشنی از او سخن نگفته است. با این حال او در این دوران گام‌های بلندتر و استوارتری را به سوی آموزش‌ها و موفقیت‌های بیشتری برمی‌دارد.

دوران سوختن و ساختن

مرزی که دوران دوم و سوم زندگی او را از هم جدا می‌سازد، همان رویداد تلخ کشته شدن فرزندش «فیض طلب» است. او در سال ۱۲۲۷ قمری در جنگ کشمیر کشته شد. پس از مرگ تیمورشاه به سن چهل و شش‌سالگی در ۱۲۰۷ برابر با ۱۷۹۳ عیسایی، فرزندان او برای رسیدن به تاج و تخت به جان هم افتادند. همچنان در همین زمان است که کشمکش‌ها در میان خانواده‌های سدوزایی و محمدزایی بر سر قدرت، آغاز می‌شود که در نهایت محمدزایی‌ها، سدوزایی‌ها را از پادشاهی کنار می‌زنند. در چنین شرایطی است که فرزند او «فیض طلب» قربانی جاه‌طلبی‌های آنان می‌شود. این جنگ در عصر پادشاهی دوم شاه محمود (۱۲۲۴-۱۲۴۴ ق) رخ داده است. هدف آن بیرون کردن کشمیر از دست عظامحمد بامیزیایی بوده است.

عایشه درانی در یکی از شعرهایش، به این ماجرا این‌گونه اشاره دارد:

عزیز! در ایام محمودشاه وزیر	بُد او را چه گویم دگر
فتح نام نمود عزم کشمیر	چون روان شد به جمعی ز شیران نر
یکی توپچی باشی آن شاه بود	که ثانی ورا نیست در بحر و بر
هژبر و شجاع فیض طلب نام او	ذوی‌الفهم و ادراک و صاحب هنر

چو شد عرصه رزم آراسته
شهادت پذیرفت آن نامور
بُدی خانه سال او بیست و پنج
که چون برق کرد رخس عمرش گذر
ز هجرت بُد الف و دوصد و بیست و هفت
بزد غوطه در موج خون بی‌خبر
(درانی، ۱۳۸۶: ۳۴۲-۳۴۳)

این شعر در وزن شاهنامه «فعولن فعولن فعولن فعل» سروده شده است. انتخاب این وزن برای این موضوع، کار هوشیارانه‌ای است. بر بنیاد این شعر، باید لشکرکشی به رهبری وزیر فتح خان صورت گرفته باشد. وزیر فتح خان یکی از چهره‌های شگفت تاریخ معاصر افغانستان است. قدرتی که او در دوران فرزندان تیمورشاه به هم زده بود، مایه حسادت پادشاهان و درباریان شده بود. در یکی از نوشته‌های علی‌احمد کهزاد آمده است که شهزاده کامران فرزند تیمورشاه - والی قندهار - خواهان حذف او بود. چنان‌که در پیوند به جایگاه قدرت فتح خان در نامه‌ای به پدر نوشت:

مخالف تو یکی مور بُد ماری شد
بر آر از تن آن مور مارگشته دمار
مده زمانش از این بیش ای ز غفلت مست
که اژدها شود دریافت مهلتی این مار
معلوم می‌شود کامران کینه بزرگی از فتح محمد خان در دل داشت که منتظر پاسخ پدر نماند. وزیر را در هرات کور کرد و بعد روانه کابل شد و در راه غزنی در سعیدآباد به سال ۱۲۳۴ او را به گفته کهزاد به گونه فجیع و شرم‌آوری کشت.

این رویداد خونین جنگ‌های قدرت و انتقام‌جویی‌ها در میان خاندان سدوزایی و محمدزایی را چنان در افغانستان دامن زد که تا زمان امیر عبدالرحمان ادامه یافت. پس از آن نیز این جنگ قدرت به گونه یک جنگ خاموش ادامه یافت.

راه یافتن به دربار تیمورشاه

این که عایشه درانی چگونه به دیدار تیمورشاه رسید می‌توان این چند دلیل را ارائه کرد. نخست، شاعری یک زن در آن روزگار تاریک و پر از تعصب می‌تواند آوازه انگیز و توجه برانگیز باشد. دو دیگر این که پدر عایشه در بخش نظامی، توپچی‌باشی بود و پدر کلانش نیز الزماً پدر او پیوندی به دربار نیز داشت.

سه دیگر این که به قول فرهنگ: «در دربار او یک انجمن ادبی کوچک؛ اما واقعی موجود بود که علاوه بر شاعران و ادیبان محلی یک تعداد از فضلاء کشورهای مجاور هم در آن جمع شده بودند.

اما متأسفانه این نهضت مانند عمر شاه و محیطی که آن را به وجود آورد، کم‌دوام و مستعجل بود.» (فرهنگ، ۱۳۸۰: ۱۶۷)

گذشته از این‌ها، تیمورشاه افزون بر شعر دوستی و شعرشناسی، طبع شاعری نیز داشت. از او دیوانی بر جای مانده است که در غزل‌سرایی بیش‌تر از حافظ و واقف لاهوری پیروی می‌کرد. این هم چند بیت از یک غزل او.

آن شکرلب به شکرخنده و حرف وسخنش	دل ز من برد و نهان کرد به چاه ذقنش
نشود شعله ته پرده فانوس نهان	می‌نماید بدن او ز ته پرهنش
شاه تیمور به صد شوق غزل‌های تو را	خلق را ورد زبان است به هر انجمنش

(درانی، ۱۳۸۶: ۱۷۱)

این هم چند بیت از یک غزل دیگر او.

شد موسم زمستان مستان به بزم شاید	درهای عیش بر رخ از هر طرف گشادند
مطرب بده بشارت پیران پارسا را	شکرانه‌گو حریفان در پای خم فتادند
گل‌بن شگوفه دارد از برگ در گلستان	جمعی بر آن تماشا رو سوی باغ دارند

(ژوبل، ۱۳۸۸: ۴۲۱)

می‌توان احتمال داد که عایشه درانی با زمینه‌سازی آن انجمن ادبی به دربار راه یافت تا شعرش را برای تیمور شاه بخواند و به بخشش پادشاه دست یابد.

تیمور شاه، شعر او را می‌پسندد. شعر و شاعری عایشه با شعر و شاعری تیمور شاه یک نقطه مشترک دارد و آن پیروی هر دو شاعر از حافظ است. هر دو دل‌بسته شیوه سرودن حافظ‌اند. این امر را می‌توان نقطه مشترک و پر جاذبه‌ای در ذوق شاعری پادشاه و عایشه درانی دانست.

گاهی هم گفته‌اند باری تیمور شاه از جنگی برگشته بود و عایشه درانی، شعری در ستایش کابل سرود و آن را برای شاه خواند؛ اما در دیوان او شعری که به گونه خاص در ستایش کابل سروده شده باشد، دیده نمی‌شود.

با این حال نمی‌دانیم که آن شعر چه محتوایی داشته است. شعری بوده در ستایش کابل یا ستایش پادشاه. در دیوان عایشه درانی نه تنها شعر در ستایش تیمور شاه وجود ندارد؛ بلکه او در شکواییه‌های خویش از حاکمان روزگار و به گونه خاص از محمودشاه شکایت‌هایی دارد. به هر حال تا جایی که تاریخ نویسان و پژوهشگران عرصه ادبیات در پیوند به شعر و شاعری عایشه درانی چیزهایی نوشته‌اند، همه از این رویداد یاد کرده‌اند. گویی این رویداد یکی از نقطه‌های عطف زنده‌گی

شاعرانه او بوده است. بدون تردید، چنین رویدادی که باید در دوره جوانی شاعر رخ داده باشد، امر مهم و انگیزنده‌ای در کار شعر و شاعری او بوده که به یقین تشویق خانواده و نزدیکان را نیز در پی داشته است.

سبک شعری عایشه

اشعار عایشه درانی را از نظر محتوا به سه بخش تقسیم کرده‌اند.

۱- غزل‌های عاشقانه ۲- مثنوی‌ها و قصیده‌های با حال و هوای عارفانه ۳- دوره مرثیه‌سرایی‌ها. احتمال می‌رود عایشه درانی در میان سالی به دلیل جنگ‌های پی در پی داخلی و برافتادن سلسه درانی و حمله انگلیس به افغانستان به سمت و سوی عرفان کشیده شده باشد. اما بسیاری دلیل روی برتافتن وی از دنیا و مرثیه‌سرایی‌هایش را، مرگ تنها پسرش فیض طلب می‌دانند. با جستجوی دیوان عایشه نمی‌توان به نام دخترانش برخورد اما از نام «فیض طلب» پسرش بارها سخن رفته است. وی در سرودن اشعار پیرو سبک عراقی ماند و بیش از همه تحت تأثیر حافظ قرار گرفت. نمونه تاثیرپذیری اش می‌تواند این غزل باشد:

عمر بگذشته مرا یاد بسی می‌آید	کز نسیم سحری بوی کسی می‌آید
دوش در خواب به امید وصال رفتم	مژده وصل چو بانگ جرسی می‌آید
به هواداری آن سرو خرامان رفتم	دیدم از بهر گرفتن عسسی می‌آید
گفت سرمست و غزل‌خوان ز کجا می‌آیی	گفتمش بهر کرم ملتسمی می‌آید
به تمنای رخ دوست شدم سوی چمن	صوت طوطی نفسی در قفسی می‌آید
عایشه گر به غم هجر گرفتار شدی	دل قوی دار که فریادرسی می‌آید

از جهت موسیقی عایشه به گونه‌های مختلف تکرار، کاربرد ردیف‌ها و اوزان طولانی توجه نشان داده است. از نظر تخیل، تکنیک‌های بیانی همچون تشبیه، استعاره، تشخیص، نماد و کنایه در اشعار او فراوان است اما عایشه کمتر توانسته است در آفرینش تصاویر نو و خلاقانه توفیقی به دست آورد.

آنگونه که روایت می‌کنند، عایشه نخستین شعر خود را در حضور تیمور شاه درانی، در تمجید از «افق گلغام» خوانده است:

شفق را لاله گون دیدم نماز شام در گردون	مگر خورشید را کشتند که دارد دامن پر خون
در ادامه بعضی از اشعار زیبای عایشه که از دل دیوان او انتخاب شده، آمده است:	
به بزم ماهوشان باش و کامرانی کن	ز دست ساقی گلرخ بنوش باده ناب

بهار آمد و نرگس پیاله گردان شد
ز باد صبح شنیدم بگوش گل می‌گفت
بگفت جغد به جغدی که شادمانی کن
درین زمانه کسی فارغ از الم نبود
غمین مباش تو عایشه از جفای فلک
در این جستار برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی اشعار عایشه در حوزه‌های عاطفه، زبان، فرم و ساختار، موسیقی و تخیل واکاوی می‌شود.

الف) عاطفه

زمینه اصلی شعرهای عایشه درانی را عواطف ناشی از تأثرات اجتماعی و سیاسی رقم می‌زند. او شاعری متعهد و اجتماعی است و اشعارش عموماً سختی‌ها و مرارت‌هایی را بازگو می‌کند که کشورش به خاطر اشغال و جنگ پایان‌ناپذیر تحمل کرده است. او خود در این مورد چنین گفته است: «بسیاری از سروده‌هایم با مسائل دو دهه اخیر کشور افغانستان پیوند دارد و در پاره‌ای از آن‌ها به اشخاص، وقایع و یا جریان‌های سیاسی اشاره‌هایی شده است.» جانمایه اصلی شعر وی، دردها، رنج‌ها، آرزوها و امیدهای مردم است.

هیچ‌گاه اشعارش مربوط به شخص خودش نبوده و چیزی که در باره خودش اتفاق افتاده حدیث نفس نکرده چیزی بوده که برای مردم و جامعه اتفاق می‌افتاده است. تأثیر این مفهوم در لایه‌های پنهان و آشکار روح و ذهن شاعر به حدی است که در کمتر سروده‌ای از سروده‌های او اندوه و تاسف شاعر از مشکلات هموطنانش و فضای مسلط بر جامعه افغانستان احساس نمی‌شود: «او در تمام اشعارش شاید کلمه درد و رنج و کلمات مترادف آن را با بسامد بالا نیاورده باشد ولی موضوع اصلی تمام اشعارش، درد و رنج است: درد شخصی، درد اجتماعی و درد مردم و درد خوب شناخته نشدن عقاید و نظریات...»

سلطان هفت کشور مهمان ماست امشب
تنظیم بزم خوبان آمد چو ماه تابان
آن گلرخ شکر لب در جلوه چون در آمد
چون کوب سعادتمند گشت بر ما
آن مهوش سمنبر و آن شوخ نازپرور
دیدم چو آن پریخ از فرط شادمانی
دارای دادگستر بر خوان ماست امشب
آسایش دو گیتی در شأن ماست امشب
از ماه تا به ماهی فرمان ماست امشب
اندر رواق گردون کیوان ماست امشب
آمد به عشوه در بر جانان ماست امشب
حمد و سپاس گویم دوران ماست امشب

از فرحت وصالش سودیم سر به افلاک	اسباب کامرانی سامان ماست امشب
در صحن باغ و بستان گل‌ها شکفته بسیار	آن بلبل سخندان خوشخوان ماست امشب
پیوند عمر قاصر یک رشته بیشتر نیست	مکر و فریب عالم برهان ماست امشب
بی می مباش یک دم داری اگر بصارت	رندان باده پیما خاقان ماست امشب
بر تخت اوج حشمت نشسته آن دل آرام	جاروب آستانش مژگان ماست امشب
چون در چمن خرامی با گلرخان سرمست	این گلشن لطافت رضوان ماست امشب
سلفی تلافی کن عایشه را می ناب	محو جمیع عصیان غفران ماست امشب

ب) زبان

در نظر منتقدان گذشته، زبان تنها یکی از مؤلفه‌های ادبیات و در برخی موارد حتی کم‌اهمیت‌ترین آن‌ها شمرده می‌شد (ریکا، ۱۳۸۵: ۱۵۸) اما امروزه روان‌شناسان زبان و معناشناسان معتقدند: «مفهوم‌سازی و بنابراین فهم ساختار شعر، تحت کنترل زبان است.» (همان، ۱۵۸) تعریف ویکتور شکلووسکی که شعر و ادبیات را بر اساس آشنایی‌زدایی در زبان معرفی کرده نیز، هم‌اهمیت و هم‌گسترده‌گی عنصر زبان را در تئوری‌های ادبی نشان می‌دهد. (برتنس، ۱۳۸۷: ۴۶)

در بررسی زبان باید به دو جزء سازنده آن یعنی واژگان و نحو توجه نمود. واژه به عنوان یکی از اجزاء مهم زبان در مکاتب ادبی امروز اهمیت بسزایی دارد. کولریج «شعر را هنر زبان فصیح و رسا می‌داند که وسیله القای آن، واژه است. (ولک، ۱۳۸۶: ۱۸۳) رنه ولک نیز می‌گوید: «انواع فنون ادبی نظیر وزن شعر، تکرار اصوات یا صداها و کلمات و طرز ترکیب اصوات برای این ابداع شده‌اند تا توجه را بر سوی واژه‌ها جلب نمایند.» (همان، ۲۰۱)

در آثار عایشه از دو بخش زبان، بیش‌ترین نوآوری در بخش واژگان صورت گرفته است:

واژگان ابداعی

طبیعی است وقتی شاعر موفق به کشف حالات روحی جدید می‌شود برای تشریح و توصیف این حالت شاعرانه نیازمند واژگان جدید است. نیما یوشیج در این مورد این‌گونه گفته است: «کلمات قدیم مصالحند. هر چه اندیشه‌های ما بیشتر و دقیق‌تر باشد نیازمندی ما نسبت به آن‌ها بیشتر است... چه بسا باید با تلفیق‌های تازه و ترکیب‌های نو به دست آوردن، گوینده، آن‌ها را (به هر اندازه که اندیشه‌های او دقیق‌تر است) در ضمن کار تهیه کند. (یوشیج، ۱۳۸۵: ۳۹۷-۲۹۶)

کوشش برای رسیدن به زبانی غنی و سرشار از طریق ساخت واژگان و ترکیبات جدید به عنوان یکی از ویژگی‌های زبانی شعر عایشه مطرح است.

واژگان مذهبی

بخش قابل توجهی از واژه‌های شاعر از فرهنگ دینی اخذ شده است. این ویژگی در اشعار عایشه به حدی است که شعر او را از این جهت در بین اکثر آثار همعصرانش تشخیص می‌بخشد.

زبان محاوره

توجه ویژه شاعر به امکانات زبان محاوره و استخدام لغات ساده و رایج برای تبیین احساسات شاعرانه نیز از دیگر عواملی است که هم از سویی موجب غنای زبان اشعار کاظمی شده و هم فضایی صمیمی را بر اشعار او گسترانده است.

ج) شکل و ساختار

او در انواع قالب‌های شعری با سبکی متفاوت و مخصوص به خود؛ اعم از غزل، مثنوی، رباعی، قصیده، ترجیع بند و... طبع آزمایی کرده است. در سرودن اشعار پیرو سبک عراقی ماند و بیش از همه تحت تأثیر حافظ شیرازی قرار داشت.

روایت

یکی از امکانات موجود برای تصویری شدن شعر، استفاده از تکنیک روایت است. بیان روایی، انسجام ساختاری شعر را تقویت می‌کند و تحرک شعر را افزایش می‌دهد. (حسن لی، ۱۳۹۱: ۲۱۲) از سوی دیگر این شگرد از آن جا که موجب تبیین ویژگی و منش شخصیت‌هاست و اندیشه و منزلت فکری آن‌ها را باز می‌نمایاند روابط بین آن‌ها به تصویر می‌کشد نیز حائز اهمیت است. (مکی، ۱۳۶۶: ۱۰۸-۱۰۵)

بهره‌گیری از تکنیک روایت یکی دیگر از مشخصات اشعار عایشه است. استفاده از عنصر گفتگو، شعر او را به مرزهای درام نزدیک کرده است.

د) موسیقی

بخش مهمی از تأثیر شعر وابسته به موسیقی است. فرمالیست‌ها بر این باورند که «مهم‌ترین عامل سازنده شعر، موسیقی و زبان است.» (علوی‌مقدم، ۱۳۷۷: ۶۱) گروه موسیقایی عناصری همچون وزن، ردیف، تکرار و قافیه می‌باشند.

تکرار

این شگرد در شعر معاصر چه در قالب‌های کلاسیک و چه در اشعار نو به صورت جدی مورد توجه سرایندگان قرار گرفته است. تکرار به خصوص آن جا که با اندیشه به بیان آمده ارتباط داشته باشد باعث فصاحت کلام شده و در ارتقای معانی و انتقال عواطف و احساسات بسیار مؤثر خواهد بود. در اشعار عایشه تکرار به انجای مختلف ارائه شده است.

تکرار کلمه

در آثار عایشه کمتر شعری را می‌توان یافت که در آن کلمه‌ای تکرار نشده باشد. در اغلب موارد نیز تعداد ادبیات آن به چندین بیت می‌رسد.

تکرار عبارت یا جمله

در این روش عبارت یا جمله‌ای ترجیع‌وار در طول شعر تکرار می‌شود تا شاعر آن را برای مخاطب خود برجسته سازد.

ردیف‌های طولانی

ردیف گوشه‌ای از موسیقی شعر و مکمل قافیه است و از نظر معانی به تداعی‌های شاعر کمک می‌کند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۳۸) این عنصر، ارتباط تنگاتنگی با اشعار کاظمی دارد. اینکه تعداد قابل توجهی از مجموع غزل‌های او مردّف است حضور گسترده ردیف را به عنوان یکی از شاخصه‌های سبک شعر او معرفی می‌کند. عایشه به کاربرد ردیف‌های طولانی تمایل نشان داده است.

ه) تخیل

تخیل، رستنگاه اصلی تصویر است و تصویر از عناصر مهم شعری است تا جایی که گفته می‌شود: «کلامی که افکار مجرد را بدون هر نوع تصویری به کار گیرد سندی علمی خواهد بود و ابداً شعر نیست.» (دیچز، ۱۳۶۶: ۱۲) برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار کاظمی در این عرصه به قرار زیر است: تشبیه، استعاره، تشخیص، کنایه و... .

نتیجه گیری

افغانستان سرزمینی است که از گذشته‌های دور به این طرف، جهت راه یافتن بانوان در عرصه‌های علمی - فرهنگی در پی راه و چاره بود و سرسختانه مبارزه نمود، تا توانسته باشد از عهده این مهم سربلند بیرون آید. «هر چند محدودیت‌ها در این زمینه به گونه‌ای آشکار دیده شده؛ ولی با نگاه اجمالی به تاریخ گذشته کشور به این باور می‌رسیم که با وصف دشواری‌ها، شخصیت‌های آگاه و باورمند به قدرت و توانمندی بانوان، هرگز این مسأله را از یاد نبردند و از این امر نیز به دفاع برخاسته‌اند.» (حبیبی، ۱۳۹۹: ۱۸)

یکی از شاعران کم آوازه افغانستان عایشه درانی دختر یعقوب علی خان توپچی یک تن از رجال عصر درانی‌های افغانستان و همچنین شاعر فرهیخته زبان دری/ فارسی بوده است. او در شهر کابل چشم به دنیا گشوده و در عهد تیمور شاه درانی می‌زیسته است. درباره سال تولد وی آگاهی دقیقی در دست نیست ولی سال وفات وی را ۱۲۳۲ ذکر کرده‌اند. عایشه زنی توانا و بااستعداد، با ذکاوت و دراکتی بوده که در همان اوان اختناق، علم و ادب آموخته و خود را با زیور دانش، خرد، فقه و سایر علوم ادبی و رایج زمانه آراسته است. در سرتاسر عمر خود با رنج و اندوه دست و پنجه نرم کرده است. تیمور شاه خود شاعر و اهل فضل و آداب بود، ولی اشعار عایشه درانی را شنید و با وصفی که در آن روزگار در برابر تظاهر زنان تعصبات فوق العاده زیاد ستی و تنگ نظرانه وجود داشت، با آن همه سروده‌ها و اشعار دلنشین عایشه مورد قبول و تشویق تیمور قرار گرفت. از این بانوی زیباپسند و نازک خیال، دیوان شعری به یادگار مانده که در سال ۱۸۸۸ میلادی در شهر کابل به چاپ رسیده است. این مجموعه شعری مشتمل است بر تمام انواع قالب‌های شعری با سبکی متفاوت و مخصوص به خود؛ اعم از غزل، مثنوی، رباعی، قصیده، ترجیع بند و

از جهت موسیقی نیز عایشه به گونه‌های مختلف تکرار، کاربرد ردیف‌ها و اوزان طولانی توجه نشان داده است. از نظر تخیل، تکنیک‌های بیانی همچون تشبیه، استعاره، تشخیص، نماد و کنایه در اشعار او فراوان است اما کمتر توانسته است در آفرینش تصاویر نو و خلاقانه توفیقی به دست آورد.

سرایش عایشه درانی را شامل سه مرحله دانسته‌اند: نخست مرحله غزلسرایی و سال‌های جوانی که در عهد تیمور شاه درانی سپری شد. دوم مرحله سرایش اشعار با رنگ و بوی تصوّف و عرفان است که مصادف با دوران نبردهای داخلی پسران تیمور شاه و حمله انگلیس به افغانستان است. سومین مرحله نیز، شامل مرثیه سرایی‌های پس از شکست سلسله درانی‌ها در افغانستان می‌شود.

اشعار و غزلیات عایشه بیانگر حالات روحی و ممثل زندگی پر فراز و فرود وی است. در سرودن اشعار پیرو سبک عراقی ماند و بیش از همه تحت تأثیر حافظ شیرازی قرار داشت.

منابع

۱. برتنس، هانس (۱۳۸۷)، مبانی نظریه ادبی معاصر، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، چاپ دوم، تهران: ماهی.
۲. حبیبی، صالحه (۱۳۹۹)، پژوهشی در مورد آثار زنان شاعر دری پرداز افغانستان از (۱۲۹۸-۱۳۴۲ ه.ش)، کابل: نبی زاده.
۳. حسن لی، کاووس (۱۳۹۱)، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، چاپ سوم، تهران: ثالث.
۴. دورانی، عایشه (۱۳۸۶)، دیوان اشعار، به کوشش غفت مستشارنیا، ناشر: شریعتی افغانستانی.
۵. دیچز، دیوید (۱۳۶۶)، شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمد تقی صدقیانی، تهران: علمی.
۶. ریکا، ایرناریما (۱۳۸۵)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
۷. ژوبل، محمد حیدر (۱۳۸۸)، تاریخ ادبیات افغانستان، کابل.
۸. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، موسیقی شعر، چاپ هشتم، تهران: آگه.
۹. علوی‌مقدم، مهیار (۱۳۷۷)، نظریه‌های نقد ادبی معاصر، تهران: سمت.
۱۰. فرهنگ، میرمحمد صدیق (۱۳۸۰)، افغانستان در پنج قرن اخیر، تهران: مؤسسه انتشارات عرفان.
۱۱. مکی، ابراهیم (۱۳۶۶)، شناخت عوامل نمایشی، تهران: سروش.
۱۲. ولک، رنه و وارن (۱۳۸۶)، تاریخ نقد جدید، ۲ جلد، ترجمه ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.
۱۳. یوشیج، نیما (۱۳۸۵)، درباره شعر و شاعری، سیروس طاهباز، تهران: نگاه.

